

رئیس - چون عده برای اخذ رأی کافی نیست رأی در این خصوص میماند برای جلسه آتی . جلسه آتی روز ۵ شنبه و دستور آن شور در بقیه قانون دیوان محاسبات است . حالا چون آقای وزیر است تقاضای جلسه خصوصی کرده اند بعد از ۱۰ دقیقه تنفس جلسه خصوصی تشکیل خواهد شد (یکساعت از شب گذشته جلسه علنی ختم شد)

**جلسه ۱۹۱**

**مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۸**

مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۸ مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد . معاضد الملک صورت مجلس قبل از قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل) :

آقایان حسنعلی خان - آقامیرزا اسدالله خان - دهخدا - سردار اسعد بدون اجازه . دکتر علیخان با اجازه غایب . ممتاز الدوله - وحیدالملک - آقاشیخ محمد حسین یزدی - آقاسید محمد رضا - حاج مصدق الممالک - شیانی - حاج شیخ اسدالله - سیه دار اعظم بموقع مقرر حاضر نشدند .

**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست ؟

**سلیمان میرزا** - گمان میکنم که درجائی که عده آراء را نوشتند هیچ ذکری از آن عده اوراق سفید نشده در صورتیکه يك رأی به اسم یکنفر ذکر شده باشد سی رأی تاسی و سه رأی که ورقه سفید بوده است خوب بود همانطور که شرح داده اند این راهم مشروح می نوشتند تا معلوم باشد که چرا اکثریت تام بدست نیامد و به اکثریت نسبی قناعت شد این يك چیز غریبی خواهد بود که همین طور بسکوت بگذرد .

**معاضد الملک** - گویا حضرت والا تلفات نفرمودند همانطور نوشته شده است .

**ادیب التجار** - در خصوص کمیسیون پروگرام عرض دارم با آن اهمیتی که به این کمیسیون دادند که پروگرام مشی دولت را بنویسند بمجلس بیاورند مدتی است هیچ خبر نداریم از قراری که شنیده ایم بعضی از آقایان اعضاء آن کمیسیون حاضر نمیشوند همه را به تسامح و دفع الوقت میگذرانند و حال آنکه مجلس این کمیسیون را با آن اهتمام معین کرده که هر چه زودتر پروگرام طریق مشی دولت را حاضر کرده بمجلس بیاورند مخصوصاً تقاضا میکنم و خواهش مینمائیم آنهایی که تعلل دارند و اسباب تعطیل این کار هستند اظهار بدارند تا معلوم شود و دیگر بنا بود که مستشارهای خارجی را و زرا اقدام بکنند در آوردن آن هامدتی است که این مسئله از مجلس گذشته است و وزرا چر تا بحال اقدام باین مطالب نکرده اند در صورتیکه این یکی از اصلاحات اساسی مملکت است بتصدیق همه آقایان آوردن اینها لازم است چرا کوتاهی میکنند ملت را باید فهمید خوب است اطلاع بدهند که وزراء اقدامات خودشان را بمعرض مجلس برسانند .

**نایب رئیس** - در خصوص مستشارها مکرر از هیئت رئیسه بوزراء اخطار شده است .

**آقامیرزا ابراهیم خان** - تلگرافی است

از آقای مخبر السلطنه فرمانفرمای آذربایجان راجع به تبریک عبدالعزیز مغایره شده است .

**راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به اجازه مرخصی سه ماهه آقای حاج آقا با تصویب کمیسیون قرائت شد .**

ایضاً راجع به مرخصی حاجی مصدق الممالک قرائت شد .

**حاج مصدق الممالک** - بنده عریضه مرخصی خود را استرداد کرده بودم و هیچ گمان نمی کردم که بمجلس بیاید و بهیئت رئیسه هم عرض کرده بودم .

**نایب رئیس** - حاج مصدق الممالک عریضه مرخصی خودشان را استرداد کرده اند پس رأی میگیریم در مرخصی آقای حاج آقا .

**حاج آقا** - بنده همانطوریکه در کمیسیون عرایض لزوم مرخصی خود را ثابت کردم و اجازه دادید همانطور هم بعضی از آقایان عرض کردم ولی چون غالباً بعضی از اوقات در موضوع مرخصی بعضی از آقایان مذاکره می کنند و بنده طالب نیستم که در آن مذاکره شود مگر در یک مجلس خصوصی یا در اطاق تنفس اگر کسی توضیح بخواند بنده توضیح خواهم داد والا همانطور رأی بگیرند .

**نایب رئیس** - رأی می گیریم به راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی که موکول بر رأی مجلس کرده است اجازه مرخصی سه ماهه حاج آقا نماینده فارس را و تصویب کرده است .

**سلیمان میرزا** - همانطور که آقای حاج آقا فرمودند بنده در کلیه موضوع مرخصی ها اشکال دارم یعنی کلیه مرخصی ها چون عددشان مخلوط و هر قدر بخوانند ممکن است و این را بنده باعث تعطیل مجلس دانسته و میدانم ولیکن يك اشکال دیگری این فرمایشات آخری حاجی آقا برای بنده تولید کرد و گمان میکنم که محتاج بمذاکره باشد زیرا با این اشکال نمی دانم چگونه می توان رأی داد اگر يك مسافرت شخصی می خواهند بفرمایند گمان نمی کنم که اینقدر مهم باشد که دلایلش را در مجلس خصوصی بگویند پس اینکه می فرمایند در مجلس خصوصی هر کس توضیح بخواند اظهار میکنم گویا این دایر بر بعضی مطالب ریولوتیکی است که خیلی مهم بنظرشان آمده است و شاید مهم باشد و بنده از آن اشخاصی هستم که رأی نخواهم داد نه بر مرخصی ایشان بر هیچ مرخصی مگر اینکه يك دلایلی که خیلی مهم باشد همینطور که میفرمایند اظهار بدارند پس خوب است امروز موقوف کنید رأی در این مرخصی را تا اینکه در اطاق تنفس بماها بفرمایند ببینیم شاید يك دلایل مهم باشد آنوقت يك تغییر عقیده ای پیدا میشود و در این خصوص رأی بدیم .

**حاج آقا** - اگر چه در تمام موضوع مرخصیها بنده عرض کرده ام که مرخصی هر يك از نمایندگان بسته باینست که بیان عقیده کنند و گفتگو کنند اگر قانع شدند که رأی میدهند والا رأی نمیدهند مرخصی يك اجازه ایست که باید دلایل لزوم او را با آقایان اظهار داشت همانطور که در کمیسیون عرض کرده ام و تصویب کرده اند شاید هم آنقدرها شخصی نباشد تمام

جهات لزومش و جهات دیگر هم که راجع بنوع داشته باشد و در مجلس رسمی هیچ نباید در خصوص يك همچو چیزی مذاکره کرد و بنده قبل از این هم بعضی از آقایان عرض کردم بنده این مطالب را لازم میدانم گفته شود اگر شخص ایشان یادگیری بخواهند همانطور که عرض کردم در خارج یا در مجلس خصوصی توضیح میدهم و اگر لازم میدانند که امروز در آن رأی گرفته نشود بگذارند برای روز دیگر که بنده هم تا آن روز دلایل خودم را عرض کنم .

**نایب رئیس** - در صورتیکه از برای امروز تأکید نمی کنند بهتر این است بگذاریم برای روز شنبه در این موقع راپورت شعبه يك بمضمون ذیل قرائت شد :

شعبه در دو ساعت از شب چهار شنبه ۱۸ ذیحجه گذشته در تحت ریاست آقامیرزا محمدعلی خان تربیت نایب رئیس منعقد و بجهت کمیسیون نظامنامه انتخاب رأی گرفته شد به اکثریت ۱۰ رأی از ۱۹ رأی آقا شیخ اسمعیل هشتروندی و بهشت رأی آقا محمد صادق طباطبائی منتخب شدند و چون آقای معاضد السلطنه از کمیسیون بودجه استعفا داده بودند آقای محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای ایشان انتخاب شدند و ادیب التجار از کمیسیون تفتیش نان استعفا داده بودند آقای حاج محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای مشارالیه انتخاب شدند .

ادیب التجار مخبر شعبه اول . عریضه حاج مصدق الممالک به استعفای از عضویت کمیسیون داخله قرائت شد .

**نایب رئیس** - در آخر جلسه عرض ایشان انتخاب خواهد شد .

**کاشف** - عرض بنده راجع به استعفای ادیب التجار بود که بجای آقای علی زاده انتخاب شدند ایشان استعفا دادند بنده تعجب میکنم با آن همه اصراری که در تفتیش و عمل نان داشتند و همه را ترغیب میکردند چرا خودشان استعفا داده اند .

**ادیب التجار** - چون آقای کاشف از باب استعفای بنده از کمیسیون تفتیش نان اظهار استعجاب کردند که با آن جدیتی که بنده از برای نان داشتم لازم بود که برای رفع استعجاب و شبهه ایشان و سایر نمایندگان عرض کنم لابد جهتی داشته است که بنده استعفا داده ام اولاً کمیسیون تفتیش نان وظیفه اش تفتیش است غیر از این بنده وظیفه ای را نفهمیده ام یعنی تفتیش و عیوبات را که در آن خصوص بکند و بمجلس راپورت بدهد و در آن خصوص هم کمیسیون تفتیش نان تفتیشات خودش را کرده و عیوبات را فهمیده و يك ماه متجاوز بلکه چهل روز نباید بیشتر هم باشد عیوبات را آمد بمجلس گفت بعد از آنکه مجدداً بنده از شعبه اول انتخاب شدم و رفتیم آنجا مشغول رسیدگی شدیم با اینکه اختیاری نداشتیم در آنجا خیلی مساعدت کردیم با اظهارات مالیه یعنی مجلس ما را معین کرده بود برای اینکه عیوبات امران را بگوئیم و ضمناً رفع آن عیوبات را بخواهیم دیگر دخل و تصرف نکنیم والا تصحیح

امران بانوه مجریه است یعنی راجع وزارت مالیه داخله در چند جلسه که کمیسون تفتیش منعقد شدو بنده هم حضور داشتم از وزارت مالیه اقداماتی نتوانستیم بفهمیم بجهت اینکه بموجب سندی که بوزارت داخله خودشان داده بودند چهل و چهار هزار خروار نوشته بودند سندشان موجود هست (گفتند از موضوع خارج است)

منعقد شده اند و کارهام خیلی کم به آنها رجوع شده است و کاری نداشته اند و در مجلس مطالب گذشته است ولی مسئله نظامنامه انتخابات چون یکی از مسائل مهم و مسلکی است بنده خیلی اهمیت میدهم و عقیده ام این است که ایندو انتخاب که از شبه اول و دوم شده است چون برخلاف مسلک و رویه بوده است غلط است باید تجدید انتخابات بشود و اگر صلاح بدانند از حالا برنیس اطلاع بدهند یا از امشب از اول غروب تمام شعبات جمع بشوند برای انتخاب جدید بآخر روزی که صلاح میدانند مقصود این است که تمام اعضای مجلس بدانند که یک روز تمام شعبات باید منعقد شوند و اعضای را که برای کمیسون نظامنامه لازم است انتخاب نمایند که بعضی ها بدانند و بعضی ها ندانند که شبه کی منعقد خواهد شد و نیاید و اکثریت نتوانند رای بدهند حالاً اگر صلاح میدانند همین امشب طرف غروب را اگر نمیدانند بنامند برای روز شنبه طرف غروب.

**نایب رئیس** - کفایت کرد .  
**ادیب التجار** - بنده باید جهت استعفای خودم را عرض کنم در جلسه بعد آقای صنیع الدوله گفتند من بیست هزار خروار بیشتر نمیتوانم تعهد کنم در خصوص آن عیوبانی که در باب کمیسون تفتیش اظهار کرد که مامی یا صد ششصد تومان ناوا باشی ما میخورند ابدأ اقدامی نشد باید مجازات شوند اگر مراد مجلس این است ما بر زمین بنشینیم و فقط قلیان کشیدن و صحبت کردن باشد ما بگوئیم چه بکنیم وزراء هم بنشینند نگاه کنند اگر مسئولیت کردن کمیسون تفتیش است بنده هیچ اعتماد ندارم این مسئولیت با وزارت مالیه است یک کلمه بگویم بگویم شش ماه است چرا خوابیدند و کنترت نکردند و جنس دولت را نیاوردند طهران حالا که موقع زمستان است میگویند ۱۵ روز است وزیریم هیچ استعفا نمی شود چهار روز دیگر که عمل نان در این شهر بدتر از سال گذشته شد و گرفتار شدید آنوقت می فهمید بنده هیچ اعتماد ندارم باین بیانی که عرض شد کمیسون شریک مسئولیت وزراء بشوند باید از دو وزیر که مربوط بعمل هستند تصفیه نان را بخواهیم .

**مؤتمن الملک** - بنده در انتخاب شب عرض داشتم مقصودم این بود که مسئله انتخابات و انتخاب کمیسون نظامنامه انتخابات چون یک امری است خیلی مهم و راجع به مسلک است و باید خیلی دقت بکنند و اینکه رجوع شده به شب گویا آن ملاحظه و دقتی که باید بکنند نمیشود چون تا حالا رسم بوده است اکثریت یک شعبه که حاضر میشوند بدون اینکه بفانین اطلاع بدهند می نشستند انتخاب می کردند مثلاً اگر اعضا یک شعبه ۱۴ نفر بودند نفر که حاضر می شد میگفتند اکثریت حاصل است و ما می توانیم شروع بکنیم بمذاکرات عضوی که برای فلان کمیسون لازم است مامی توانیم رای بدهیم و انتخاب کنیم این صحیح نیست باید که تمام اعضا شعبه اطلاع داده باشند که فلان روز در فلان ساعت شعبه منعقد خواهد شد اگر آنوقت حاضر نشدند و اکثریت حاصل شد آن وقت بتوانند داخل در مذاکرات شده و رای بگیرند انتخاب کنند بنده تا حالا ایراد نکردم برای اینکه شعبات خیلی کم

شبه اول و دوم اعضای خود را برای این کمیسون انتخاب کرده اند و صحیح است بسایرین که باید روز شنبه اعضای این کمیسون را انتخاب نمایند اطلاع داده می شود که روز شنبه ۳ ساعت و نیم غروب حاضر باشند برای انتخاب .

( در این موقع شروع بخواندن قانون دیوان محاسبات شد )  
ماده ۴۲ - اعضائی که وقتاً منقطعاً فصل می شوند در مدت انفصال حق مقرر ی ندارند .  
**حاجی شیخ علی** - يك اشتباهی برای بنده شد بجهت موقتی منفصل شدن اعضاء دیوان محاسبات این جا نوشته شده است اعضائی که وقتاً منقطعاً فصل میشوند در موقع انفصال حق مقرر ی ندارند انفصال آنها وقتی تجویز می شود که مجلس عمومی از جمیع دیوان محاسبات تشکیل شود و تجویز کنند پیش نهاد بجمع شورا ی ملی نمایند پس انفصال وقتی خواهد شد که مجلس آن انفصال را تصدیق کند پس وقتاً ندارد این را توضیح نمایند .  
**فهییم الملک** - آن انفصال نیست عزل است .  
**حاج شیخ علی** - که اگر محاکم عمومی دیوان محاسبات حکم بر عزل اونمود او منقطعاً فصل می شود وقتاً تا وقتیکه مجلس شورای ملی افتتاح شود این ماده قبل از این گذشته است و مخصوصاً همین طور نوشته است آنوقت بسا هست که بشود مجلس تصدیق نکند آن حکمی را که دیوان محاسبات در حق یکی از اعضاء کرده باشد آنوقت انفصال موقتی او چگونه می شود که حق مقرر ی نداشته باشد در صورتی می شود بگوئیم حق ندارد که مجلس شورای ملی انفصال او را که دیوان محاسبات حکم کرده تصدیق بکند نه اینکه بهمین موقتی منقطعاً فصل بودن ما حکم کنیم که حق مقرر ی نداشته باشد .

**فهییم الملک** - آن چیزیکه راجع شد بجمع شورا ی عزل اعضاء دیوان محاسبات بود ربطی بانفصال موقتی ندارد در ماده ۳۰ گفته شد و راجع بعزل آنها ذکر شد در ماده دیگر ذکر شد که دیوان محاسبات حق مؤاخذة و انفصال موقتی را نسبت با آنها خواهد داشت درباره عزل باید بمجلس شورای ملی اطلاع بدهد و موافق ماده ۳۰ رفتار خواهد شد یعنی به مجلس شورای ملی پیش نهاد میکند اما انفصال موقتی این است که خلافتی از یکی از اعضاء دیوان محاسبات ظاهر شود برای تنبیه یک ماه بایشتر وقتاً او را انفصال میکنند و این انفصال موقتی که یکی از مجازات تقصیرات اداری است چیزی نیست که در این خصوص این همه مذاکره شود فقط در آن انفصال حق مقرر ی نخواهد داشت .  
**نایب رئیس** - پس رای میگیریم بر ماده ۴۲ بطوریکه قرائت شد کسانی که موافقت قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) .  
ماده ۳۳ بقرار ذیل قرائت شد :  
ماده ۳۳ - اعضاء دیوان محاسبات در هر يك از معاملات دولتی نباید دخالت نموده یا واسطه شوند وکیل التجار - بنده گمان میکنم که در مورد تمام مستخدمین ادارات دولتی این ماده را باید

نوشته والا این يك استثنائی می شود و صحیح نیست زیرا در این ماده شرایط عضویت ادارات را ذکر کرده است باین معنی کسانی که دارای شغل دولتی یا متصدی امر دیگری بوده باشند حق عضو شدن ندارند ماده ۳۳ را که خوانده شد تا واسطه شدن در مسئله معاملات دولتی کفایت میکند و اینکه نوشته است به علاوه واسطه واقع شوند چندان اهمیتی ندارد این جزء معاملات نیست و چندان مدخلیتی ندارد که داخل در معاملات دولتی بشوند .

**فهییم الملک** - این ساده فقط راجع باین است که آن شخص دارای شغلی نباشد چون تمام صاحب جمع های دولتی ممکن است محاسبه شوند و رسیدگی بحساب آنها بشود در این صورت کسیکه واسطه کار آنها باشد اشکال خواهد شد که خودش در دیوان محاسبات باشد .  
**وکیل التجار** - این منحصر است و می فهماند که سایرین حق ندارند .

**فهییم الملک** - عجالتاً این قانون مال دیوان محاسبات است ربطی بسایر ادارات ندارد .  
**ارباب کیخسرو** - بنده بنظر می آید که ایرادی که یکی از اعضاء کردند صحیح است همان ماده ۲۳ برای دخالت نکردن کفایت می کند در هیچ يك از معاملات دولتی نباید دخالت نمایند این دخالت خیلی چیزها می فهماند مثلا شاید در محاسبات دولتی که مبنی بر معاملات است نمی تواند دخالت کند حرف این است که همین جا واضح تر بنویسند که دخالت نداشته باشند و نگذارند در معاملات دولتی وساطت نمایند .

**نایب رئیس** - کسانی که ماده ۳۳ را تصویب می کنند قیام نمایند .  
( اغلب قیام کردند اکثریت حاصل شد )  
ماده ۳۴ بمضمون ذیل قرائت شد :

ماده ۳۴ - هر روزه اعضاء دیوان محاسبات اسامی خود را در کتابچه مخصوص که در دفتر خانه برای این امر ضبط است امضاء نموده وساعت ورودشان را می نویسند .  
**فهییم الملک** - این ماده چون راجع بنظامنامه است خوب است حذف شود .

**نایب رئیس** - متنی هستم رعایت مجلس بشود و آقای مخیر تقاضای حذف ماده ۳۴ را نمودند پس می توانیم ماده بعد را بخوانیم کسانی که تصویب می کنند ماده ۳۴ حذف شود قیام نمایند .  
( اغلب قیام کردند و به اکثریت تصویب شد )  
ماده ۳۵ بمضمون ذیل قرائت شد :

ماده ۳۵ - مرخصی اعضاء دیوان محاسبات تا سه روز به اجازه رئیس کل خواهد بود و علاوه بر آن بسته به اجازه مجلس عمومی است و این در صورتی است که رئیس کل و مدعی العموم تصدیق بدهند که غیبت ضروری که مرخصی می خواهد باعث نکند کار نخواهد شد .

**آقای محمد** - عبارت و علاوه بر آن بسته است به اجازه مجلس عمومی این معنی چه خوب است بفرمائید تعیین شود یعنی به اتفاق رئیس مجلس عمومی یا مجلس عمومی خوب است توضیح شود .

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده عرضم این بود که اگر باید حذف شود از ماده ۳۴ تاماده ۳۶ راجع بنظامات است باید حذف شود .  
**حاج عز الممالک** - اینکه گفتند این جزو نظامات است بنده لازم میدانم که در این قانون نوشته شود اگر چه اینکه در قانون نوشته شده است راجع بدستخطی است که به اصطلاح فرانکی ها (دیگره) میگویند .

**حاج سید ابراهیم** - همان نکت بهتر از تعطیل است بجهت اینکه محکمه نباید تعطیل بشود ولیکن آنطوری که باید جریان داشته باشند ندارد سستی و مسامحه مقصودشان است نه تعطیل .  
**حاج عز الممالک** - بنده هم خواستم مرض کنم که تعطیل عوض نکت نوشته شود بجهت اینکه نکت اهم است .

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده این ماده را بهین جزء نظامنامه داخلی می دانم و معذالک صلاح نمی دانم مجلس در آن رای بدهد .  
**فهییم الملک** - اینکه می فرمایند راجع بنظامنامه داخلی است در صورتیکه یک ماده در ترتیب حقوق رئیس و ترتیب تعطیل آنها نوشته شود که بارتیس کل است یا با مجلس عمومی است زیرا در هیچ جا این مسئله قید نشده است این باید معلوم ولو اینکه نوشته شود ترتیب مرخصی آنها در نظامنامه داخلی خواهد بود علی ای حال باید در اینجا معلوم شود که تکلیف این مطلب چیست با مجلس عمومی یا بارتیس کل است یا با کی است از این جهت اینجا این طور نوشته شده است در صورتی هم که با یک قانون دیگری باشد اگر اینجا بنویسیم واضح تر خواهد بود .

**حاج آقا** - بنده با آقای مرتضی قلیخان در این مطلب موافقم که ماده ۳۶ تا ۳۸ طبعاً جزء نظامنامه داخلی است و مطالبی که در نظامنامه داخلی می توان شمرد بواسطه اهمیتش در قانون مخصوصاً نوشتنم و از مجلس گذشته است ملاحظه بفرمائید این ماده و ماده بعد که تعیین کرده است يك عدمه مخصوص را که چقدر از اعضاء مرخصی بگیرند و تا چه اندازه ممکن است مرخص شوند و ترتیب مرخصی چیست این اگر يك چیزی است که اگر بدیوان محاسبات واگذار شود شاید آنطوری که مقصود است بجرایان سهولت کار موفق نشویم باید اینجا نوشته شود که اطینان پیدا کنیم با اینکه کار بسهولت جریان پیدا خواهد کرد .

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده این مطلب را نمی فهمم که این مطلب طبعاً اینطور است لکن باید حالا آنطور شود هیچ حالیم نمی شود که طبعاً جزء نظامنامه باشد و حالا جزء قانون قرار بدهیم آن قدری را که آقای مخیر فرمودند بنده هیچ قبول نمی کنم که ما نباید اختیار را برنیس بدهیم بجهت اینکه اگر لازم است در نظامنامه نوشته شود که نظامنامه داخلی را باید بطالع مجلس عمومی تدوین کند و نوشته شود و اگر بگوئیم چه ضرر دارد که این را بنویسیم در اینجا در نظامنامه هم داخل کنیم

**فهییم الملک** - مقصود حضرت عالی را درست ملتفت نشدم هر دو نکت از اعضاء دولت را برای چه میخوانند پس معلوم می شود هیچ محکمه ای تا سه نفر حاضر نباشند منعقد نمی شود این را گفته اند برای کلیه اعضاء دیوان محاسبات باید افلا دولت حاضر باشند .  
**آقای سید حسین اردبیلی** - بنده هم لازم است یاد آوری نمایم که این ماده هم مثل مواد سابق است و باید جزء نظامنامه داخلی باشد

عرض می کنم در صورتی که یقین داریم که چند ماده دیگر باید در نظامنامه بنویسیم اگر يك ماده را در اینجا بنویسیم بی جهت قانون لغو خواهد شد  
**حاج آقا** - آقای آقا میرزا مرتضی قلی خان درست التفات نکردند و الا تصدیق می کردند که مطلب همین است بواسطه اینکه در ثبت اسناد فراموش نکردند که خیلی از مواد بود که همه تصدیق کردند که آن مواد جزء نظامنامه داخلی است ولی بواسطه جریان و تشدید مبانی کار به آن مواد رای گرفتند برای استحکام ما اگر این را واگذار کنیم بدیوان محاسبات و مجلس عمومی مطمئن نیستیم بجهت اینکه اعضاء دیوان محاسبات برای سهولت کار خودشان شاید بیشتر مقرر کنند چه ضرر دارد در اینکه این دو ماده را که ما خیلی خیلی توجه به آن داشتیم که مدخلیت در جریان کار دارد در قانون بنویسیم و سایر مطالب داخلی را اینقدر اهمیت ندهیم دیگر اینکه چون خودشان می نشینند و نظامنامه داخلی را می نویسند در باب مرخصی و تکلیف مرخصی اگر بخود آنها واگذار شود آنطوری که مقصود ما است شاید دقت در آن نشود و این مطلب خیلی اهمیت دارد همین طوری که در ثبت اسناد گذشت در باب مرخصی اینهم همان طور باید بشود

**آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - این اشتباه است در کلیه ادارات برای مرخصی اعضاء قانون است و باید معین شود که رئیس آن اداره بدانند تا چه اندازه می تواند مرخصی بدهد و چقدر می تواند رخصت بدهد استفاده عملی است و مزدی در ازاء آن می دهند و باید وقتی که مرخصی میدهند بدانند اسباب تعطیل کار نمی شود و باید رخصت بدهد که بتواند برود بدون رخصت نمی شود و این قانونی است باید در نظامنامه باشد

**نایب رئیس** - پس در حال رای می گیریم کسانی که ماده ۳۵ را تصویب می کنند قیام نمایند .  
( اغلب قیام نمودند )  
**نایب رئیس** - اکثریت حاصل شد

ماده ۳۶ بمضمون ذیل قرائت شد :  
ماده ۳۶ - همیشه باید دولت از کلیه اعضاء حاضر باشند و اجازه مرخصی به بیش از يك نکت اعضاء دیوان محاسبات داده نخواهد شد  
**حاج سید ابراهیم** - خوب است در این جا يك کلمه اضافه کنند که همیشه دولت از کلیه اعضاء هر يك از محاکم برای اینکه بسا می شود يك محکمه اش تعطیل بشود .

**فهییم الملک** - مقصود حضرت عالی را درست ملتفت نشدم هر دو نکت از اعضاء دولت را برای چه میخوانند پس معلوم می شود هیچ محکمه ای تا سه نفر حاضر نباشند منعقد نمی شود این را گفته اند برای کلیه اعضاء دیوان محاسبات باید افلا دولت حاضر باشند .  
**آقای سید حسین اردبیلی** - بنده هم لازم است یاد آوری نمایم که این ماده هم مثل مواد سابق است و باید جزء نظامنامه داخلی باشد

ولی از فرط اهمیتی که دارد و اسباب اشکال خواهد شد باید قید شود و در قانون باشد مثل اینکه عده قابل رای در قانون اساسی معین شده باید این عده هم معین باشد این ماده جزء نظامنامه داخلی شود

۱۱ نفر میخوانند مرخصی بگیرند بروند مابقی مشغول کار خواهند بود شاید این یکی هم با آنها همراهی کنند يك ثلث بلکه نصف آنها مرخصی بگیرند بیش از يك ثلث را نباید مرخص کنند علاوه بر دو ثلث را اگر مرخصی بخوانند اعم از اینکه کار داشته باشند یا نداشته باشند نباید اجازه بدهد و آنها اگر خواستند باز بروند منوط باین است که اسباب نکت کار نشود والا اجازه نباید داده شود.

از باب کیخسرو - بنده با اصل این ماده مخالفتی ندارم ولی در بعضی از مطالب بعضی نظریاتی دارم برای اینکه نوشته شده است که همیشه باید دو ثلث از اعضاء حاضر باشند نمی توانند هم چه حکمی بکنند که دو ثلث اعضاء باید حاضر باشند باید تمام اعضاء حاضر باشند باید نوشته شود هیچگاه نمی توانند اجازه مرخصی به بیش از يك ثلث اعضاء دیوان محاسبات داد.

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که تمین وقت اینک اجازه بیش از دو ثلث باعث تعطیل کار هست یا نیست یا اینکه نباید بیش از دو ثلث اجازه داد این باید اینطور نوشته شود هر گاه اجازه مرخصی را رئیس باعث نکت کار دید اجازه نمی دهیم این را به رئیس کل ومدعی العموم واگذاریم اگر رجوع بتصدیق آنها بکنیم دیگر لزوم ندارد که تجدید دولت یا بیشتر یا کمتر بشود خوب است واگذار کنیم به آنها پس از آنکه واگذار کردیم بنظر رئیس کل ومدعی العموم صحیح میشود و در صورتیکه تعطیل می شود نباید مرخصی داد مارجوع می کنیم بمدعی العموم چه در دیوان محاسبات چه در محاکم باشد و این ماده را بنده دیگر هیچ لازم نمی دانم.

شاهزاده حیدر میرزا - بنده هم نظر از باب بود که پیش از يك ثلث اجازه نخواهند داد پس نوشته شود که همیشه باید همه حاضر باشند و منتهی اجازه يك ثلث داده خواهد شد در آن ماده رأی داده شده است کلیه رجوع داده ایم این امر را بتصدیق رئیس کل ومدعی العموم.

اسباب تعطیل کار نشدند قابل اجازه هستند ممکن است که بیش از نصف هم اجازه بگیرند آنوقت بلکه نمائند از اعضاء دیوان محاسبات مگر يك مستشار ودونفر رئیس محکمه ما نظرم آن بود که باید يكی آنکه يك ثلث بیشتر اجازه نباید داد یکی آنکه باید ملاحظه تعطیل کار را کرد.

ماده ۳۶ رابنده این قسم اصلاح آن را تقاضا می کنم (هیچگاه نباید اجازه مرخصی به بیش از يك ثلث از اعضاء دیوان محاسبات داده شود).

حاج آقا - چند مرتبه این توضیح داده شده بنده تعجب می کنم آنها اینکه از اعضاء کمیسیون بوده اند درست ملتفت نشده اند از این مسئله بجهت اینکه دو مقصود داریم در این ماده قانونی یکی این است که مطلقاً بیشتر از يك ثلث ممکن نیست که مرخصی بگیرند چه باعث تعطیل کار بشود یا نشود این يك مطلب لکن عمده این است که از يك هیئتی که خیلی کارشان اهمیت دارد بیش از يك ثلث نباید اجازه داده شود این يك نظر اساسی است والا اگر دونفر هم برود دیگر هیئتی باقی نمی ماند این راجع بدونظر است و این مرتبط ابتدا نیست به نکت کاریا تمویق و تعطیل شدن این يك نظر دیگری است و آن این است که از همان اشخاص که قابل این هستند که به آنها مرخصی داده شود یعنی در آن عده اعضائی که بواسطه مرخصی آنها نکتی و تعطیلی بدیوان محاسبات وارد آید که قابل مرخص شدن نیستند والا این دو مطلب هیچ بهمسند بمرحله مرخص نیستند تا قناعت کنیم بهمان ماده که گفتیم اگر

ماده ۳۹ پیشنهاد وزیر از قرار ذیل قرائت شد:

دیوان محاسبات مراقب خواهد بود که متصدیان نقود واجناس دولت با با يك ضمانت معتبری تأمین شوند و با هیئت مخصوصی از مفسرین امانت آنها را بمعهده بگیرند کمیسیون این ماده را بواسطه اینکه ممکن الاجراء ندانسته بود حذف کرده بود.

فهریم الملک - ترتیب صاحب جمع هایك قانون مخصوصی لازم دارد یکمقداری از آن در ضمن قانون ثبت اسناد ملاحظه و شور شد و همینطور يك قانونی باید بنویسند برای این کار و این کار امروز در این مملکت قابل اجرا نیست زیرا که اگر شما يك امروز يك مأموری را بخوانید در اداره مالیه داخل خدمتی نکنید مطابق این ترتیب باید ضامن بدهد یعنی يك شخص معتبری بپایند ضمانت بکند که اگر این صاحب جمع خیانتی کرد و او يك پول هم باشد او از عهده برآید این اگر چه يك ترتیب قانونی بسیار صحیحی است و باید هم همینطور باشد ولی باین ترتیب گمان نمیکنم امروزه دولت بتواند بکنند مستخدم صحیح در ادارات خود داخل نماید برای اینکه این ترتیب تا بحال در این مملکت معمول و مجری نبوده است ممکن است اشخاص خیلی صحیحی باشند که هیچ تقابلی نداشته باشند ولی کسی ضمانت آنها را نکند و همچنین ممکن است اشخاصی باشند که صحیح و درست کار نباشند و بعضی ها ظاهر از آنها ضمانت بکنند و اسباب اشکال شده و نتیجه خوبی بدست نیاید پس برای اینکار باید بعد از این يك قانونی بمقتضیات وقت نوشت برای اینکه اقلاً باید يك چیزی ولو ناقصاً قبلاً مجری و معمول بشود تا اینکه به بجز این و مطابق آن يك قوانین صحیحی برای آن نوشت و تا امروز وزارت مالیه يك ترتیبی را برای اطمنان در عمل مالیه معمول داشته است که از بعضی ها ضامن میگرفته است و از بعضی ها اطمنان حاصل میگرفته است و اگر یکی دو سال هم این ترتیب را برای تأمین و اعتبار صاحبان جمع و سایرین مجری و معمول دارند آنوقت می توانیم که يك قانون صحیح مفصلی برای اینکار بنویسیم که قابل اجرا باشد ولی امروز به اینکه یکماده فقط در اینجا بنویسیم گمان نمیکنم که آن مقصودی را که مجلس در نظر دارد بعمل بیاید و هیچ فایده نخواهد داشت بهتر این است که عیناً این مطلب را بگذارند تا اینکه ببینیم این ترتیبی را که وزارت مالیه پیش گرفته است در این مملکت چه جور پیشرفت میکند و آنوقت يك قانونی همان طور که برای ثبت اسناد نوشته شد برای اینکار هم بنویسیم و جریان پیدا کند.

محمد هاشم میرزا - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم میدهند حالا در صد نفر چطور بشود که يك نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و معذک تقلب کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد.

فهریم الملک - عرض کردم این کار مستاناش خیلی است قانون ندارد و به این هم که یکماده فقط در اینجا بنویسیم مقصودی را که در نظر داریم بعمل نیاید برای اینکه فقط یک مسئله ضمانت نیست اعتبار هم میخواند ضامن او هم شرایط دارد پس يك ترتیب مفصلی دارد که باید در يك قانون مستقلی نوشته شود و امروزه هم وضع این مملکت مقتضی وضع چنین قانونی نیست و در صورتی هم که لازم باشد باین مختصری نمیشود اکتفا کرد همانطور که عرض کردم باید مفصلاً نوشته شود.

آقا شیخ رضا - عرض میکنم اینکه گفته میشود قانون را باید بمقتضای زمان نوشت و امروزه وضع مملکت مقتضی نیست که این قانون را بگذاریم بنده عرض میکنم که مخصوصاً امروز مقتضی است که يك هیچ قانونی را بگذاریم و وضع کنیم برعکس وقتی که اخلاق مردم صحیح شد دیگر لازم نیست که قانونی بنویسیم که باید ضامن بدهند پس بعقیده بنده لازم است که امروزه در قانون بنویسیم که هر کس میخواهد داخل ادارات بشود باید ضامن داشته باشد و او ضامن بگیرند و اینکه يك کسی بخواند داخل يك اداره ای بشود و نتواند در يك همچو شهر بزرگی بکنند رایباید بکنند که ضمانت او را بنمایند چه شخصی را نباید داخل يك اداره ای کرد برای اینکه هیچ کسی باید يك آدم خیلی بی معنی باشد که هیچکس پیدا نشود ضمانت او را بکند پس بعقیده بنده این قانون را خیلی لازم است که وضع کنیم و نباید از این ماده که در لایحه وزیر پیشنهاد شده است صرف نظر نماییم.

فهریم الملک - قسمت اول از عرض بنده را آقای آقا شیخ رضا بیک جمله دیگری معلق کردند این که بنده عرض کردم که مقتضیات وقت اجازه نمیدهد که امروز این قانون را بنویسیم مقصودم نه این بود که اعتبارات مملکت امروزه بقدری زیاد است که ما نباید از مأمورین حالیه ضامن و اعتبار بخوانیم تا اینکه ایشان بفرمایند این قانون برای امروز لازم است وضع شود و نباید این ماده را از اینجا حذف کرد مقصود بنده از عدم موفقیت بنوشتن همچو قانونی این نبود که بکنند پیدا نمیشود از يك کسی که میخواهد داخل اداره مالیه بشود ضمانت بکند بلکه مقصودم این بود که این ترتیب هنوز معمول نشده و در ادارات دولتی متداول نیست و اخلاق اهل مملکت بترتیب آن آشنا نیست و با این ترتیب اجرای آن خیلی اسباب اشکال خواهد بود اینکه میفرمایند يك نفر آدم چطور میشود که در يك همچو شهر باین بزرگی يك نفر نتواند از او ضمانت کند این حرف بحسب ظاهر خیلی خوب است و همچو تصور میفرمایند که بکنند آدم است و در شهر طهران است اگر اینطور باشد خیلی سهل است ولی این بکنند آدم نیست و در شهر طهران هم نیست عدد زیادی باید مقصود این کار شوند اقلی هم در ولایات هستند و هر کدام ضامن باید بدهند و تمام شرایط باید بعمل بیاید عرض کردم که اشخاصی نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم میدهند حالا در صد نفر چطور بشود که يك نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و معذک تقلب کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد.

حاج آقا - در این ماده تمام مستخدمین ادارات دولتی خصوصاً در این نمره ادارات که راجع است بامور مالیه دولت باید در موقع دخول خودشان

عنوانات در این مملکت نبوده است که ضمانت مستخدم مالیه دولتی را بنمایند و ابتدا نخواهند اینطور ضمانت را کرد ما باید قانونی را که می نویسیم مجرا هم بکنیم یا اینکه همان نوشتن باشد و مجرا نشود و اگر مجرا نباید بشود که بنده نمیدانم جز اتلاف وقت چه فایده دیگری خواهد داشت پس بهتر این است که حالا مقدمتاً همان طوری که عرض شد واگذار شود بنظر وزارت مالیه و دیوان محاسبات هم نظری خواهد داشت توفیقی که يك قدری تجارب حاصل شود و مردم هم ملتفت بعضی نکات قانونی آن شدند يك قانون صحیحی برای این کار نوشته خواهد شد اما حالاً عرض میکنم که با مقتضیات امروزه نمیشود يك چنین قانونی را وضع کرد یعنی از این جهت که يك کسی پیدا شود و ضامن يك مأمور مالیه بشود باین طریق که اگر حسابش کسری پیدا شد یا خیانتی کرد آن ضامن از جیب خودش بدهد بنده نمی بینم و باین سهولت گمان نمی کنم از برای کلیه صاحبان جمع میتوان ضامن پیدا کرد.

حاج سید ابراهیم - بنده هم موافقم با راپورت کمیسیون ولی میخواستم عرض کنم آنچه راکه وزیر پیشنهاد کرده است جزء قانون اداره مالیه است ربطی بقانون ثبت اسناد ندارد.

میرزا یانس - بنده از دو جهت مخالفم با آقایانی که میفرمایند باید از اعضاء مستخدمین ضامن گرفته شود یکی اخلاقی دیگری شرفی اول از حیث اخلاقی این است که کسی میخواهد وارد يك اداره بشود قبل از اینکه خلاف کرده باشد شما احتمال خلاف در باره او میدهید برای اینکه باو میگویی ضامن بده و این صحیح نیست مگر بعد از خلاف او که آنوقت شما حق دارید باو بگوئید که خلاف کرده و باید ضامن بدهد ولی کسی که خلاف نکرده است بشف انسانی او بر میخورد که بگوئید باید ضامن بدهید يك مخالفت دیگری هم که دارم این است که مسئله ضمانت را آخر الامر بهر چه که برگردانید بوجه نقد ترجمه خواهد شد یعنی این ضامن باید ضمانت کند که اگر خیانت کرد فلان مقدار بدهد و این اسباب این می شود که هر کس که دوست پولدار دارد داخل کار بشود و جوانان پست ما که لیاقت کار را ندارند ولی ندارند بیکار بمانند و این يك بی انصافی خیلی بزرگی است که ما بهیچوجه نمی توانیم قبول بکنیم این ماده در این قانون باشد و مردمان بزرگ کافی بی پول را در کارهای بزرگ دولتی که موجب ضمانت می شود داخل نمایند.

حاج آقا - این واضح است که شرایط مستخدمین مالیه را اینچنان نمی خواهند بگویند جایش هم اینجاست این ماده برای این است که این دیوان محاسبات نظارت و مراقبت داشته باشد که مستخدمین وزارت مالیه دارای آن شرایطی که لازم است باشند حالا آن شرایط چه باشد ضامن که باشد و چطور باید ضمانت نمایند آنها را باید علیحده نوشت ربطی باین قانون ندارد

تضمیناتی بدهند و تأمین بکنند دولت را از درستی عمل خودشان حرق نیست و در همه جای دنیای متعین باشرف این مطلب معمول است که هر کس که میخواهد خدمت ماله را قبول بکند باید ضامن بدهد و بمجرد شرافت يك نفر نمی توان صرف نظر از بعضی ترتیبات تضمینی کرد که در همه جا قانونی است و بدیهی است هر کس که در خدمت دولت وارد شد اولاً باشرف است و شرافت او هم محفوظ است ولی ضامن خواستن از او را بهیچ وجه نمی توان تصور کرد که منافای با شرف است و توضیح شرافت او را میکند این مطلب در جای خودش محل شبهه نیست ولی چیزی که اسباب اشکال است در این داده این است که این طوری که وزیر پیشنهاد کرده است ما نمی توانیم از اشخاصی که متصدی امر ماله هستند و شاید کار دولتی از ایشان بیاید ضامن بخواهیم و اینطور به آنها سخت بگیریم بجهت اینکه غالب اشخاص درست کار نمی توانند تضمین ثروتی بنمایند یعنی مثل سایر ممالک یک مبلغی را تضمین ثروتی بطور دیده در صندوق بگذارند همان طوری که در قانون ثبت اسناد هم نوشتیم و اگر هم بخواهیم بگوئیم که هیچ تضمین لازم نیست و نباید ضامن بدهند آنها هم اسباب تصدیع و زحمت وزارت ماله خواهد شد که هر کس با شرف بوده و توقع داشت که در اداره ماله مستخدم و مأمور بشود در بگذشته ماله باید او را قبول نکند و در زمان وزارت و ثوق الدوله این مطلب عنوان شد و آن یکمیسون قوانین ماله رفت و در آنجا در این خصوص خیلی مذاکرات شد بالاخره قرار شد وثوق الدوله بک ماده ای را پیشنهاد بکنند که هم جهات مقتضیات امروزه در آن ملحوظ شده باشد و هم اسباب تصدیع وزارت ماله نشده باشد این بود که دیگر يك همچو ماده ای را پیشنهاد نکرد و حالا بنده خیلی لازم میدانم که مستخدمین ادارات خصوصاً اداره ماله همیشه يك اطمینان و ضمیمانی بدهند و اینکه گفته شد این کار مراقبتش با دیوان محاسبات نیست بنده تصور میکنم که اگر يك همچو نظارت و مراقبتی باید باشد از وظایف دیوان محاسبات است و باید راجع به او باشد برای اینکه تفتیش در کلیه امور بودجه و ماله مملکت از وظایف این اداره است ولی برای اینکه هم معظوری که در ماده پیشنهاد وزیر نوشته شده است رفع شود و هم آن نتیجه مرغوبه که در نظر است حاصل شود بهتر این است که این ماده حذف شود و ماده دیگری پیشنهاد شود همانطوری که بنده نوشته ام و پیشنهاد خواه کرد که آن وظائف و مقررات قانونی که برای صاحبان جمع و پیشکاران ماله نوشته و مدون میشود دیوان محاسبات مراقب باشد که آن کسی که مأمور وزارت ماله و بصاحب جمعی تعیین میشود آن شرایط و مقررات قانونی در آن مأمور و صاحب جمع موجود باشد باید ملاحظه تمام افراد شده باشد بواسطه اینکه ما اگر در این موقع این ماده را در اینجا قید نکنیم این قانون خواهد گذشت و این بکلی از وظیفه دیوان محاسبات خارج خواهد شد و آنوقت موافق همین قانون نمی توانیم الزامی بدیوان محاسبات بکنیم که مراقبت و مراعات شرایط و

تضمینات نوشته نشده است آنوقت بنده جواب دیگری را ندارم که بنده بجهت اینکه می بینم راست گفته است پس یکماده را که بکلی بی ربط است در اینجا نوشتن هیچ فائده ای نخواهد داشت بگفتی باید این مادرا نوشت این حق را بدیوان محاسبات داد که قانون تضمینات هم وضع شده باشد .

**فهمیم الملک** - این پیشنهاد آقای حاج آقا ابداً این قانون ربطی ندارد زیرا که مأمورین ماله شرایطی برایشان مین است و آنها راجع است بوزارت ماله ربطی بدیوان محاسبات ندارد نظریاتی که دیوان محاسبات دارد نسبت به اعضاء وزارت ماله فقط راجع است بوزارت ماله ربطی بدیوان محاسبات ندارد نظریاتی که دیوان محاسبات دارد نسبت به اعضاء وزارت ماله فقط راجع است به اداای يك وجهی بعنوان وجه الضمانه یعنی بدهی بعد از آنکه قانون وضع شد که صاحب جمع يك وجه نقدی بعنوان وجه الضمانه بصدوق ماله بسیارند باید شخصی از آنها ضمانت بکنند گذاشتن این وجه الضمانه باید رسیده است یا رسیده است که در موقع دادن حساب صاحب جمعها اگر کسری داشته باشند امر بتوقیف آن وجه و کسر آن بنمایند غیر از این دیگر دیوان محاسبات حق دیگری ندارد که فرضاً مراقب باشد در این که اعضاء وزارت ماله با علم باشند یا سناشان فلان اندازه باشد یا شرايط دیگر آنها راجع است بخود وزارت ماله که باید رعایت نمایند و ابداً ربطی بدیوان محاسبات نخواهد داشت فقط در آن وجه الضمانه آنها باید رسیدگی کند و آنها هم هر وقتی که قانون وجه الضمانه برای مأمورین وزارت ماله نوشته شد آن وقت باید نوشت و این حق را بدیوان محاسبات داد که مراقبت داشته باشد که وجه الضمانه آنها بصدوق وزارت ماله رسیده باشد و در این موقع نوشتن آن در این قانون هیچ فایده نخواهد داشت .

**حاج آقا** - خبر محترم درست التفات فرمودند که بنده چه عرض کردم و پیشنهاد بنده که خوانده شد گوش ندادند تا اینکه بدانند که فرمایشات ایشان هیچ موضوع ندارد و مخالف با بنده هم نبودند بنده پیشنهاد کرده ام که متصدیان نقود و اجناس دولت تأمینات مقررده قانونی را قبل از تصدی شغل خودشان دیوان محاسبات باید مراقب باشد که داده باشند یعنی آن چیزی که در مقام تضمین داده میشود نگفته ام دیوان محاسبات باید مراقب باشد که اعضاء وزارت ماله علم داشته باشند و هم چنین شرایط دیگر در مقام تضمین هر چه مقرر شد و آنرا در قانون نوشتیم دیوان محاسبات باید مراقبت داشته باشد که مراعات بشود حالا برای تضمین اگر مقتضی دیدیم که وجه نقد بنویسیم یا چیز دیگر هر چیزی که نوشتیم او باید مراقبت داشته باشد و این همان فرمایش خودشان است و ایشان باینده مخالفتی نداشتند .

**فهمیم الملک** - این برای این است که ما هر وقت قانون وجه الضمانه را نوشتیم این را هم در آنجا قید کنیم که دیوان محاسبات باید مراقبت داشته باشد در اینکه صاحبان جمع مستخدمین ماله قبل از ورود وجه الضمانه خود را بدهند ولی حالا بنده که فرضاً یکی از اعضاء دیوان محاسبات هستم یکی را میآوردند از طرف ماله بنده معرفی می کنند بنده میگویم این را بصاحب جمعی نمی شناسم برای اینکه باید معلوم شود

پیشنهاد کرده اند این ماده حذف شود .

**آقا شیخ رضا** - اینکه می خواهم عرض کنم تکرار است ولی عمده نظر من اینست که چون آقای میرزا یانس بنظرشان آمده بود که بنده با ایشان مخالفم عرض کنم که بنده کاملاً باجناب آقای میرزا یانس موافقت دارم از اینکه طرفداری می کنم از فرقه پستها و بنده خودم از فرقه پستها هستم و تا هستم همین هستم ولی پستم و طرفدار آنها هستم و تا هستم همین هستم ولی بعضی نظریاتی در فرمایشات ایشان هست که لازم است عرض کنم و آن اینست که فرمودند صاحبان مملکت و ثروت و سرمایه داران آشنا و دوستان زیاد دارند و نمیتوانند که از اوضانات بکنند ولی چون طایفه پستها آشنا کم دارند ممکن است که از برای آنها ضامن پیدا نشود و این باعث می شود که آنها داخل ادارات نشوند ولی این گمان صحیحی بنظر بنده نمی آید که تمام سرمایه داران مملکت يك کسی را برای اینکه سرمایه دار است اعتبار بکنند و ضمانت بنمایند و از يك نفر دیگر که پست است ضمانت نکنند بلکه خیلی از سرمایه داران هستند که اگر با پست ها و با آنها معاشرت بکنند و ببینند که اینها خیلی آدمهای صحیح هستند ضمانت از آنها میکنند که داخل کار بشوند بلکه غالباً سرمایه داران سرمایه مملکت ضمانت از پستها می کنند نه از سرمایه داران بجهت این که ضامن سرمایه دار سرمایه او است و دیگر کسی را نمی خواهد که ضامن او بشود و اینکه فرمودند ضمانت يك هك شرفی يك منصفی است برای آن اشخاصی که می خواهند متصدی نقود دولتی بشوند و نقود دولتی در دست آنها باشد اینطور نیست این ضمانت هم مثل کتباتها است و مثل اینست که يك چیزی را بکسی میدهند و از او سند میگیرند که هم چه چیزی پیش او است همین طور که ازمی تواند برگردد بگیرد که من امینم نباید سند بدهم و با او بر نمی خورد همین طور بصاحب جمع هم بر نمی خورد که ضامن از او بخواهند این احکاماتی است در عرف و لازم است که این احکامات برای ترتیب ادارات بشود و ابداً هم منصفی برای آنها نخواهد بود این فقط برای اطمینان است و البته وزیر ماله يك مملکت که حیات يك مملکت بسته باوست علی الخصوص برای فرقه پستها که اگر مملکت ماله نداشته باشد از برای فرقه پستها خیلی بد است برای اینکه خون و حیات مملکت ماله مملکت است و البته معلوم است که خون مملکت با خون پست ها است و وقتیکه ماله دولت برود صدمه آن بیشتر با آنها وارد آمده است پس این پست ها خودشان باید نهایت دقت را بکنند که رعایت نکات واحکامات بیشتر در حق آنها باشد و اگر سایرین هم دقت نکنند مخصوصاً پست ها باید همیشه خیلی دقت بکنند که مبادا ماله مملکتشان که خون و روح مملکتشان است از بین برود

**حاج دکتور رضا خان** - بنده چون از اعضاء کمیسیون هستم و در حذف این ماده رأی داده ام و این مذاکراتیکه شده است تا يك اندازه با اعضاء کمیسیون بر می خورد لازم می دانم این چند کلمه را عرض کنم آقای حاج آقا فرمودند که این ترتیب در تمام ممالک متمدنه جاری است خواستم عرض کنم خیلی چیزها در ممالک متمدنه جاری است

که باید برداشته شود پس جاری بودن در آنجا ها علت این نمی شود که در این مملکت هم يك هم چه قانونی گذارده شود و بعد تأیید میکنم فرمایشات آقای میرزا یانس را که هیچوقت برای دارا بودن شغل دولتی ثروت شرط نیست فقط لیاقت و کفایت شرط است .

**میرزا یانس** - بنده اساساً بر آن چیزی که عرض کردم چیزی ندارم که بیفزایم ولی چون بان مرایضی که کردم بعضی حمله ها شد لازم می دانم که قدری دفاع بکنم آقای حاج آقا فرمودند که این بهیچوجه هك شرف نیست که از آنها ضمانت بخواهیم جواب ایشانرا آقای میرزا ابراهیم خان دادند ما می دانیم با اشخاصی که هنوز نمی شناسیم دو وضع سلوک باید بکنیم یکی این که آن آدم را دزد بدانیم تا وقتی که دلیل امانتش را بیا بدهد و یکی این که آن آدم را امین بشناسیم تا این که طریق دزدی خودش را بنمایاند حالا شما در اینجا کدام طریق را پیش گرفته اید بفرمائید بدانیم آقای آقا میرزا ابراهیم خان يك عقیده این جا اظهار داشتند و بعد از اظهار خودشان جواب خودشان را دادند فرمودند که ما جوانان تربیت آموخته با علم را اول بصاحب جمعی قبول نمی کنیم تا این که از آنها ضمانت بطلبیم یقیناً مقصودشان این بود که اشخاصی را که سالهای سال خدمت بدولت کرده اند و امانت خودشانرا مدلل داشته اند آنها را بمنصب صاحب جمعی مقرر خواهیم داشت اگر این طور است چه ضمانتی بهتر از این است که چند سال در خدمت دولت بوده است و امانت خود را بشما نشان داده است برای این که اگر امین نمی بود لازم بود که او را بیرون کنند و عزل نمایند پس در صورتی که امانت بخیر داده است دیگر چه ضمانتی از او می خواهید سابقه اعمال او صحت اعمال آتیه او را ضمانت خواهد کرد چیز دیگر هم آقای شیخ رضا فرمودند که لازم است مختصراً جواب عرض کنم فرمودند که سرمایه داران مملکت یقیناً ضمانت از بی چیزهای می کنند بنده تعجب می کنم که ایشان این حسن ظن را از کجا نسبت برسرمایه داران پیدا کرده اند کدام سرمایه دار است که اول سر و برادر خودش را در يك منصبی و شغلی راه ندهد و وقتی که از آنها گذشت کسان و بستگان و بعد نوکر خود را که مطیع اوست و به او سلام می کند مقدم ندارد و برود يك جوان قابل بی چیزی را بیاورد و بگیرد که با همه چیزها من ضمانت او را می کنم این مطلب که جوانش را با خودش دارد بنده هم دیگر عرضی ندارم .

**حاج آقا** - مذاکره در این ماده يك صورت مسلکی پیدا کرده است و حال اینکه بنده تصور می کنم که هیچ ربطی بموالم مسلکی ندارد شاید بنده هم خیلی حامی فقرا و ضعیفا باشم ولی نباید تصور کرد که مسئله ماله دولت و دادن ثروت دولت را بدست يك کسی هیچ ربط ندارد به این مقام که ما اگر ماله دولت را بدست کسی بخواهیم بدهیم

هك شرف اوشده باشد بواسطه این که همان کسانی که این را هك شرف می دانند که اگر يك کسی آمد و خواست صاحب جمع بشود دولت اول وهله هیچ ملاحظه او را نکند و فوراً ماله دولت را بدهد بدستش می دانند که این ماله از همین ضعیفا و فقرا این مملکت داده میشود و این باید بصرف اصلاح امور این ملت برسد و ما اگر بگوئیم که ماله همین ضعیفا و فقرا را بدست یک نفر بدهند و از او هیچ ضمانتی مطالبه نکنند که ببرد و بخورد گمان می کنم که ملاحظه حال این ضعیفا و فقرا را نکرده باشیم بواسطه اینکه آنها می دهند که مفسد امور مملکتشان اصلاح شود پس ما برای حفظ حقوق آنها نباید همیشه مراقب باشیم که ماله مملکت تفریط نشود وزیر یا رزق و همه جور تأمینات از آنها نمی بخواهند متصدی اینکار بشوند باید بگیرند و داشته باشیم بنده از آقای حاج دکتور رضاخان که تشریف بردند و عجلتاً در اینجا نیستند می خواستم بپرسم که اگر ایشان يك ملکی داشته باشند و بخواهند اجاره بدهند اگر يك نفر فقیر از کوچه بیاید در خانه ایشان و بگوید آقا این ملك را بمن اجاره بدهید و سالی صد هزار تومان از من بگیرد آیا ایشان ملك خودشان را بدون اینکه تأمین از او بگیرند به او خواهند داد و نخواهند گفت باید ضامن بدهی برای اینکه بشرف او بر می خورد بنده تصور میکنم که این مطلب هیچ ربطی بهك شرف ندارد بواسطه اینکه هك شرف نسبت بیک کسی وقتی میشود که من يك نسبتی بخواهم به او بدهم و بنده نمی دانم در صورتی که يك نفری بیاید و درخواست کند که بصاحب جمعی منصوب شود و وزیر نداند که این امین است یا خائن چه طور میشود که فوراً او را منصوب کنند و بگویند که من نمیدانم شما امین هستید یا خیر و باید ضامن بدهید برای اینکه بشرف او بر خواهد خورد من هیچ تصور نمیکنم بشود يك همچو مطلبی را عقیده داشت عرض میکنم که ماله دولت باید بدست يك کسی داده شود که امانت او قبلاً ثابت شده باشد نه اینکه انسان نداند که این شخص امین است یا امین نیست و آنکه فرمودند هر چیزی در دنیای متمدن هست ما نباید قبول کنیم ولی در تمام ادارات خیلی ملاحظه است که حکمای متمدن دنیا و لیبرالها و طرفداران فقرا و غیر طرفداران آنها زحمت ها کشیده اند و يك قوانینی نوشته اند که بعد از اینکه ما بخواهیم خیلی فکر بکنیم بهتر از آن نمی توانیم بنویسیم بالینکه امور ماله يك مطلب خیلی واضع است که تا يك تأمین در آن نباشد نباید ماله بکفته از مملکت را بدست کسی داد اما اینکه آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند اگر چه موافق بودند با بنده ولی چون فرمودند پیشنهاد وزیر خوب است لازم است عرض کنم که يك چیزی در پیشنهاد وزیر است که خیلی اسباب اشکال برای ادارات امروزه است و بهیچوجه نمیشود آنرا اجرا کرد و آن اینست که می نویسد دیوان محاسبات مراقب خواهد بود که متصدیان نقود و اجناس دولت با يك ضمانت معتبری تأمین شوند و یا هیئت مخصوصی از مقتضین امانت آنها را بعهده بگیرند تصور میکنم که این امانتی

که در اینجا نوشته شده است یکی از ترتیبات قانون تضمینات باشد و ما ابدأ نمی توانیم چندی از قانون تضمینات را اینجا بنویسیم مگر اینکه با فرصت يك قانونی را برای تضمینات بنویسیم که هر کس بخواهد داخل مشاغل مالیه یا سایر مشاغل بشود مطابق آن رفتار نماید و وقتیکه آنرا نوشتیم باید جاری باشد و در اینجا باید همینقدر نوشت که آن تضمینات قانونی که بموجب قانون علیحدگی از مجلس گذشت دیوان محاسبات باید مراقب باشد که در باره صاحبان جمع آن تضمینات بعمل بیاید و آن عبارتی را که آقای مخبر در جواب بنده فرمودند گمان میکنم که خیلی بی موقع بود بواسطه اینکه مجازات آنها بترتیبی که در قانون مقرر است داده خواهد شد و ما نباید بگوئیم که چون قانون مجازات نوشته نشده است اگر يك همزوی هم از اعضاء دیوان محاسبات خیانت نماید نباید مجازاتی در حق او نوشته شود و اگر بنا باشد که همانجا نوشته شود باید هیچ قانونی نباشد مگر اینکه مجازاتی در آن نوشته شود پس باید این ماده را بهمان ترتیبی که بنده پیشنهاد کرده ام نوشت و فراهم در اولین موقع امکان باید قانون تضمینات را نوشته و از مجلس گذرانید تا اینکه مطابق آن دیوان محاسبات نظارت نماید.

**حاج عز الممالک - گویا اگر آقای رئیس**

ملتفت نباشند يك نفر که ملتفت شد اینقدر حق داشته باشد که اظهار کند که این مذاکرات خارج از حدود مذاکره قانون دیوان محاسبات است مذاکره غنی و فقیر راجع بقانون دیوان محاسبات نیست.

**نایب رئیس -** اگر اجازه بدهید عرض

میکنم که در حدود همین قانون بود حالا باید رای بگیریم اول رای میگیریم بر پیشنهاد آقای حاج آقا کسانی که با پیشنهاد ایشان موافقت می نمایند. [ ردد ]

**نایب رئیس -** حالا باید رای بگیریم در

پیشنهاد وزیرها.

**فهییم الملک -** اول باید بر ایورت کمیسیون

رای بگیریید اگر رد شد آنوقت در پیشنهاد وزیر رای بگیریید.

**معاضد الملک -** باید در پیشنهاد وزیر رای

گرفت اگر اکثریت نشد رد میشود و موافق را بورت کمیسیون حذف خواهد شد.

**فهییم الملک -** اگر در پیشنهاد وزیر رای

گرفته شد و اکثریت نشد این دلیل نمی شود که باید این ماده حذف شود ممکن است بعضی اینماده را باین عبارت رای ندهند و همچنین حذف آنرا هم تصویب نکنند این است که در هر دو باید رای گرفته شود اول بر ایورت کمیسیون که پیشنهاد کرده است حذف شود باید رای گرفت اگر تصویب نشد در پیشنهاد وزیر باید رای بگیریید.

**نایب رئیس -** پس اول رای در پیشنهاد

کمیسیون که پیشنهاد کرده است این ماده بکلی حذف شود کسانی که موافقت دارند قیام نمایند.

[ اغلب قیام نکردند و ردد ]

**نایب رئیس -** حالا در پیشنهاد وزیر رای

می گیریم.

**ارباب کیخسرو -** اگر در پیشنهاد وزیر

رای گرفته میشود باید دو جمله اش از هم مجزا شود و در جمله اول رای گرفته شود برای اینکه جمله که نوشته شده است و یا بهشت مخصوصی از مفتشین امانت آنها را بعهده گیرند این جمله خصوصیت میدهد بمأمورین مالیه و مأمورین مالیه نمی توانند در کار صاحب جمعها مداخله نمایند و از اینجهت باید مجزا شود و در جمله اول آن رای گرفته شود.

**فهییم الملک -** این ماده در هر صورت حالا

که مجلس رای نداد حذف شود باید اصلاح شود پس در این صورت بهتر این است که در پیشنهاد وزیر رای نگیرید و این ماده را برگردانند بکمیسیون که در آنها نانیاً در اینخصوص تجدید نظری شده اصلاح شود و بمجلس پیشنهاد شود.

**نایب رئیس -** بسیار خوب چون آقای مخبر

تقاضا کردند این ماده رجوع میشود که در آنجا همان طوری که گفتند تجدید نظری بشود نانیاً بمجلس پیشنهاد نمایند.

« ماده ۳۰ پیشنهاد وزیر - دیوان محاسبات حسابهای وزارت خانه ها را با محاسبات کل وزارت مالیه قبل از پیشنهاد بمجلس شورای ملی تطبیق و تصدیق مینماید »

کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود :

ماده ۳۸ - دیوان محاسبات حسابهای وزارت خانهها را بترتیبی که در فصل چهارم ذکر میشود رسیدگی کرده و در صورت صحت تصدیق می نماید و درباره اشخاصی که متصدیان نقود دولتی هستند و یا اجناسی که در حکم نقود است و باید حساب خود را بدیوان محاسبات بدهند رسیدگی کرده و حکم میدهند .

**فهییم الملک -** این یکجمله در عبارت حذف

شده عرض میکنم که آن را بجای خودش بنویسند ماده باید اینطور باشد - دیوان محاسبات حسابهای وزارت خانهها را بترتیبی که در فصل چهارم ذکر میشود رسیدگی کرده و در صورت صحت تصدیق نامه مطابق میدهند و درباره اشخاصی که متصدیان تا آخر ماده .

**حاج سید ابراهیم -** در قانون اساسی

برای دیوان محاسبات سه وظیفه معین کرده است یکی تفکیک حسابهای محاسبین جزء یکی رسیدگی بحساب کلیه مالیه مملکتی و یکی مراقبت در بودجه و مالیه در کمیسیون هم بنده عرض کردم یعنی دیدیم که آنجا کمیسیون معین کرده است که حسابهای وزراء و دفاتر آنها را جزاً و کلاً یعنی کلیه مالیه مملکتی را رسیدگی کنند حالا معلوم میشود وظیفه دیوان محاسبات فقط دو چیز باقی مانده و یکی اینکه

بحسابهای صاحبان جمع جزء رسیدگی کند و حساب بدهند و یکی دیگر هم مطابق حساب وزراء باقوانین بودجه و غیر از این دیگر چیزی باقی نمی ماند که ما اینجا بنویسیم مطابق فصل چهارم جز اینکه نوشته شود حساب های وزراء را از بودجه تفریق می کنند و اطلاع بدهند والا از حسابهای وزراء دیگر چیزی باقی نمانده است که وظیفه دیوان محاسبات باشد آنچه هست راجع بهمان کمیسیون ۱۲ نفری است .

**فهییم الملک -** در شور محاسبات عمومی

هم همین مذاکرات را فرمودید و عرض کردم که در موقع خودش ذکر میشود که آن کمیسیون مأمور مطابقت کردن حسابهای وزراء با حسابهای صاحب جمعها است اگر در نظر داشته باشید و در همانجا ذکر شد که مطابق حسابهای وزراء کار آن کمیسیون نیست در همان قانون محاسبات ذکر شده که مطابق حسابهای وزراء با حسابهای صاحب جمع جزء که بوزراء میدهند این کار را دیوان محاسبات نمی تواند بکند بجهت اینکه محاسبات عمومی بحساب های صاحب جمعهای جزء رسیدگی میکند تا موقعی که دوره عمل ختم میشود و حساب را رسیدگی میکند حالا يك مدت معینی یعنی یا نوزده ماه که معین شده بنشینند حساب های صاحبان جمع جزء که منشی بیشتر رسیدگی کرده است یکی یکی رسیدگی و مطابقت کنند با دفاتر آنها یعنی که از مجلس و شورای دولتی منتخب هستند یکی برای رسیدگی حسابهای وزراء با دفاتر مرکزی خود وزراء - یکی هم حسابهای وزراء با دفاتر کل مالیه یکی هم حسابهای وزارت مالیه با دفاتر مرکزی مالیه یکی هم دفاتر کلیه مالیه با دفاتر یادداشتی که در مالیه است و همین قدر که در قانون اساسی نوشته است که رسیدگی بکلیه محاسبات دولتی دیگر حالا هم از اینکه صاحبان جمع باشند یا اینکه وزراء آن حسابها را طبع و نشر کنند این يك کاری است که يك مسئله که در پانزده ماه معین شده است که بنشینند تطبیق کنند این کاری نیست که برود در عرض چند روز یا چندماه رسیدگی کند و تصدیق بدهد در ضمن ذکر این از آن خواهد شد رجوع میشود بمحاسبات عمومی که محاسبات عمومی مطابق دستوری که برای او معین شده است رسیدگی کرده است و با محاسبات کل مالیه بدیوان محاسبات خواهد داد دیوان محاسبات هم رسیدگی و مطابقت میکند که با لایحه قانونی تفریح بودجه تقدیم مجلس کند

**حاج سید ابراهیم -** قانون محاسبات

عمومی اینجا هست و در این ماده هیچ ذکر نمی کند که مطابق حساب صاحب جمعها یا حساب وزراء بنده مقصودم این است که حساب های وزارت خانه ها موافق با آن ماده ای که رای دادیم هیچ حساب وزارت خانه ها راجع بدیوان محاسبات نیست فقط رسیدگی بحساب صاحبان جمع جزء و نظارت مطابق بودن آن با بودجه و اگر اجازه بفرمائید آن دو ماده را بخوانم حتی رسیدگی بحساب بودجه وزراء را هم رجوع بآن کمیسیون کردیم .

حسابهایی که از طرف وزراء طبع و نشر می شود با حسابهای کل مالیه مقابله و تفتیش خواهد شد (۱) وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل يك کمیسیون (۱۲) نفری مرکب از اعضاء مجلسین و دیوان محاسبات از حضور همایونی استعدا نماید تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل است يك جزئیات هم این است .

بستن و ختم نمودن روزنامه ها و دفتر کل مالیه در آخر سال - یکی هم مطابق نمودن حسابهای

دخل و خرجی که وزراء طبع و نشر کرده اند با دفاتر محاسبات مرکزی هر يك از وزارت خانه یکی هم رسیدگی بحساب صاحب جمع ها است - تاالیا مطابقت کردن صورت محاسبات کل مالیه با دفاتر کل وزارت مالیه - تمام اینها را راجع به آن کمسیون کردیم مثل این است که يك دیوان محاسبات مجددی درست کردیم در صورتیکه وقت باقی بیاید مثل بیش از این نمی شود حساب وزارت خانه ها را رسیدگی کرد .

**فہم الملک** - آن ماده بعد را ہم

بخوانید .

[ ماده بعد خوانده شد ]

**افتخار الواعظین** - بنده اینجا فرمایشات آقا را نمی فہم محاسبات که رسیدگی می شود برای رسیدگی محاسبات کلیه و حسابهای تمام وزارت خانه ها دولت حق ندارد که رسیدگی بحساب وزارت خانه ها بکند که رسیدگی حساب وزارت خانه ها بایک کمسیون [ ۱۲ ] نفی است بنده این را نمی فہم دیوان محاسبات وظیفه اش اینست کہ تمام دخل و خرج و عایدات و مصارف مملکت را از وزارت خانه ها و ادارات و صاحبان جمع نقدی و جنسی تمام را رسیدگی کند چطور می شود کہ حساب وزارت خانه ها مربوط بدیوان محاسبات نباشد و مربوط بیک کمسیون ( ۱۲ ) نفی باشد .

**وزیر مالیه** - بجهة رفع شبهه آقاي حاج

سید ابراهیم خواستم عرض کنم کہ آن کمسیون دوازده نفری يك کار ظاہری میکند و فقط يك دفتری را می بندند و مطابقت می کنند این دو با هم فرق دارد و رفع شبهه ایشان گویا بشود بنده ہم بعد از ختم مجلس عرضی داشتم کہ باید عرض کنم **حاج سید ابراهیم** - بنده عرض میکنم چون ما تفتیش را رجوع بان کمسیون ۱۲ نفری کرده ایم اگر رجوع نکرده بودیم خوب بود .

**فہم الملک** - عرض کردم ماده بعد را بخوانید

**نایب رئیس** - رأی می گیریم بر ماده ۳۸ بطریقی کہ خوانده شد کسانی کہ موافقت قیام نمایند [ با اکثریت تصویب شد ] .

**نایب رئیس** - دستور جلسه آتیہ انتخاب

کسر اعضای تمام کمسیونها بقیه شور دویم دیوان محاسبات - راپورت کمسیون بودجه در توقف احتسابی و کیلالتجار - يك چند ماده است کہ راجع است بہ نظام نامه داخلی مجلس و مدت ها است کہ پیشنهاد شده است و بکمسیون هم رفته است نمی دانم کجا مانده است و اینها خیلی ارتباط دارد با اجازه مرخصی ها و بعضی چیز های دیگر کہ لازم است اینجا رأی گرفته شود ہم برای تکمیل عده ہم برای اجازه مرخصی ها و نمی دانم چه شده است کہ بکلی از بین رفته است استدعا دارم در جزء دستور جلسه آتیہ نوشته شود کہ مذاکره شده تا بعضی نواقص و تکالیف دیگر هست آنها را تمام کنیم .

**نایب رئیس** - آن راپورت ها نیامده است کہ جزء دستور شود در جلسه آتیہ جزو دستور می شود

**وزیر مالیه** - خاطر آقایان از ترتیب عمل

حاجی معینالتجار و عمل جزیره هرمز و خاک آنجا همه مسبوق است و می دانند و گفتگو های بسیار شده است و مدتها است کہ در این باب اظهاراتی بجا کرده اند ولی اینکار همین طور ماند تا اینکه در این هفته در جلسه وزراء در این باب دوم تبه گفتگو شد و عمل را باین شکلی کہ بنده عرض می کنم ختم کرده اند اولاً از بابت سنوات سابقه یعنی تا آخر تخاقوی نیل و اول ایت تیر کہ عمل آن جزایر با او بود چون دولت مال الاجاره خودش را اخذ کرده است بنا بر این فرمائی کہ مدتی در دست او بوده است او را بمنزلہ يك اجاره نامه بی مدتی فرض کرده است و معلوم است تا مدتی کہ موجر راضی باین عمل بوده است و اخذ مال الاجاره میکرده است این اجازه صحت داشته است و این طور رأی داده شده و ختم کرده اند کہ تا روز آخر سنہ تخاقوی نیل کہ دولت آنجا را ضبط کرده است آنچه حاجی معینالتجار آنجا دارد از خاک و غیره خاک مال خود او باشد اینکہ يك قسمت اما برای آتیہ ہم چون ہم می دانند کہ حاجی معینالتجار اعتقادش آنستکہ بموجب آن فرمان امتیاز او ابدی است ولی برای اینکه این کار ختم شده باشد وزراء رأی دادند کہ اولاً در این کار مباشر باشد باین شکل کہ بالمقاطعه صدی [ ۲۵ ] از قیمت فروش هر مقدار خاکی کہ از جزیره استخراج میشود باو واگذار شود از بابت مخارج استخراج و حق الزحمه خودش و آنچه مخارج لازمه استخراج باشد و صدی هفتاد و پنج را از قیمت فروش بدولت واگذار کند باین ترتیب در جلسه وزراء گفتگو شده است وزراء هم دادند و بنا بر این دیگر جزء امتیاز هم محسوب نمی شود تا رأی مجلس را لازم داشته باشد و تا ده سال باین ترتیب با او قرارداد شده است بنده همین قدر لازم دانستم کہ اینجا اظهار کرده باشم کہ خاطر و کلای محترم از این قرارداد مسبوق باشد .

**نایب رئیس** - عجلتاً در این باب مذاکره نمی شود .

**منتصر السلطان** - وزیر مالیه مملکت نباید يك چیز اساسی را بگوید آن وقت گفته شود دیگر در این باب مذاکره نمی شود شما چرا اجازه دادید بوزیر مالیه کہ يك همچہ مطلبی را بگوید ہیئت وزراء باید این مطلب را کتباً بہ مجلس پیشنهاد کنند کہ مذاکره در آن بشود .

**نایب رئیس** - بلی ہیئت وزراء باید کتباً نظریات خودشانرا پیشنهاد کنند آنوقت مذاکره شود .  
مجلس مقارن مغرب ختم گردید .

**جلسه ۱۹۴**

**صورت مذاکرات روز شنبه ۲۱ شهر**

**ذیحجه ۱۳۲۸**

مجلس یکساعت و ده دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۹ را آقای ماضدالملک قرائت نمود .

(فائین جلسه قبل)

حسنعلی خان - آقا میرزا اسدالله خان - آقا

سید حسین کرازی - دهنخدا - سپه دار اعظم - سردار اسعد بدون اجازه .  
حاج محمد کریم خان با اجازه .  
وحید الملک - آقا شیخ حسین یزدی - آقا سید محمد رضا - تربیت - دکتر اسمعیل خان - حاج وکیل الرعایا - حاج مصدق الممالک - طباطبائی - مرتضی قلیخان بختیاری - بهجت - حاج امام جمعه - بوقت مقرر حاضر نشده اند .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی که هست بفرمائید .

**محمد هاشم میرزا** - آنچه بنظر است آن روزیکه مذاکره این مطلب شد این بود کہ کمیسیون بجهت تجدید نظر در نظام نامه انتخابات تشکیل شود و اینجا نوشته شده است بجهت اصلاحات نظام نامه انتخابات و بجهت اینکه این صورت مجلس موافق با صورت مجلس سابق باشد تجدید نظر باید نوشته شود .

**مهاضد الملک** - یعنی تجدید نظر همان اصلاح است مطلب دیگری هم میخواستم عرض کنم کہ آقای آقا سید حسین کرازی با اجازه غیبت کرده اند و در اینجا بی اجازه نوشته شده است گویا هنوز اجازه نامه شان از ہیئت رئیسہ با اداره مباشرت نرفته است از این جهت بی اجازه نوشته شده اند .

**رئیس** در خصوص آقای سید حسین کرازی کہ مذاکره شد چون ایشان بجهت يك امر فوری کہ برای ایشان اتفاق افتاد یعنی بجهت فوت والدشان نمیتوانستند مراسم مرخصی گرفتن رافراهم بیاورند از این جهت دہ روز اجازه مرخصی گرفته اند کہ برای یکمدت مختصری کده روز باشد مسافرت کنند و بعد از دہ روز مراجعت بکنند چون لازم بود کہ بر عرض نمایند کان برسد از این جهت عرض شد آقای حاج محمد کریم خان هم کسالت مزاجی دارند معذورند .

**حاج آقا** - کمیسیون تفتیش مالیه مدتی است کہ از تشکیل ثانویش گذشتہ و هیچ راپورتنی نداده اند و ما نمی فہمیم کہ این کمیسیون همینطور باقی است و مشغول اقدامات هستند یا اینکه مثل سایر کمیسیونها منحل شده است و اگر هست چرا راپورت نمیدهد کہ چه کار کرده و چه تفتیش کرده است .

**ابوالقاسم میرزا** - کمیسیون تفتیش مالیه تا بحال مشغول رسیدگی بحساب گندم بوده کہ نتوانسته است راپورت مفصلی در باب گندم بدهد ولی چون حالا نمیتواند کہ باین زودی راپورت اعمال و اقدامات خودش را بدهد يك راپورتنی نوشته شده است در باب وجوه اعانه و تاروینچشنبه بہ مجلس تقدیم خواهد شد **رئیس** - تلگرافی مبنی بر تبریک عید غدیر از انجمن ایالتی آذربایجان بہ مجلس رسیده بود برای اینکه نمایندگان مطلع باشند عرض شد .

**ادیبالتجار** - مکرر در اینجا بعضی از نمایندگان و بنده عرض کردیم در باب مستشارهای خارجه کہ بنا بود وزراء اقدامات خودشان را بنمایند و خیلی طول کشیده و حال آنکہ مجلس اهمیت مستشارهای خارجه را بجهت تنظیم و تنسيق ادارات مملکت خیلی لازم دانسته بود در جلسات قبل خواهش کردم حالا هم استدعا میکنم کہ بوزراء اطلاع داده